

چرا خارجی‌ها تعارف فارسی را نمی‌فهمند**

منیر درکیچ**

چکیده

تعارف یکی از مسائل مهمی است که دانستن آن برای فارسی‌آموزان خارجی ضروری به شمار می‌رود. در این مختصر، نگارنده قصد دارد مشخص کند چرا فارسی‌آموزان خارجی نمی‌توانند تعارف فارسی را بفهمند یا خوب متوجه شوند. ابتدا دربارهٔ نظریهٔ ادب همگانی، که توسط براون و لوینسون مطرح شده سخن می‌رود و بعد پدیدهٔ تعارف براساس این نظریه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بخش به این پرسش پاسخ داده می‌شود که: آیا تعارف فارسی در چارچوب نظریهٔ ادب قرار می‌گیرد؟ بخش سوم به دستگاه ضمیر و فعل می‌پردازد و مهم‌ترین نقش‌های تعارف و فرق آن با ادب عمومی را آشکار می‌کند. سرانجام، سه علت اصلی برشمرده و راه‌حل ممکن ارائه می‌شود.

کلید واژه‌ها: تعارف، نظریهٔ ادب، حیثیت، فارسی‌آموزان خارجی، دستگاه ضمیر، دستگاه فعل، وجه هم‌کنش.

** این مقاله با راهنمایی دکتر مهبد غفاری تألیف شده است.

** مربی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سارایوو (بوسنی و هرزگوین)

مقدمه

یکی از شرکت‌کنندگان دورهٔ دانش‌افزایی زبان و ادبیات فارسی جمله‌ای را گفت که به خوبی دیدگاه یک خارجی را دربارهٔ تعارف در زبان فارسی نشان می‌دهد. این خانم می‌گوید: «قبل از آمدن به ایران فکر می‌کردم که یک سلام گفتن برای یک روز کافی است، اما حالا می‌بینم که سلام گفتن و تشکر کردن اینجا حد ندارد»^۱.

معمولاً فارسی‌آموزان خارجی تعارف فارسی را نمی‌شناسند و این مسأله باعث می‌شود که آن‌ها در تعارف تفریط - یا گاهی اوقات حتی افراط - کنند. از طرف دیگر، کافی است به یک ایرانی بگویید خسته نباشید تا او بگوید: «چقدر با استعدادید، تعارف را بلد هستید». این نکته به خوبی ارزش و اهمیت تعارف را در زندگی ایرانیان منعکس می‌کند.

هر زبانی ویژگی‌های خاصی دارد و یکی از ویژگی‌های زبان فارسی وجود عبارات مؤدبانه‌ای است که عمدتاً برای فارسی‌آموزان خارجی مشکلاتی پیش می‌آورد و هنگام ارتباط با فارسی‌زبانان، باعث سوء تفاهم می‌شود. عبارات مؤدبانه در همهٔ زبان‌های جهان وجود دارد و تنها این نکته نمی‌تواند باعث مشکلات و سوء تفاهم شود. با این حال می‌بینیم که خارجی‌ان مقیم در ایران در هم‌کنش با ایرانیان با سختی‌های زبانی روبه‌رو می‌شوند و بیش‌تر آن سختی‌ها متعلق به این عبارات است. هدف این مقاله پیدا کردن مهم‌ترین علت‌های چنین مشکلاتی است که فارسی‌آموزان خارجی در ایران با آن روبه‌رو می‌شوند. برای این که کاملاً این موضوع را بفهمیم، اول باید به نظریهٔ ادب عمومی^۲ پردازیم. بنابراین، در بخش اول به بررسی این نظریه می‌پردازیم. در بخش دوم خواهیم دید چه قدر «تعارف» در زبان فارسی وارد قالب نظریهٔ ادب می‌شود و آیا این نظریه به همهٔ پرسش‌های زمینهٔ خود جواب می‌دهد یا خیر. در این بخش نظرات بعضی از زبان‌شناسان ایرانی و خارجی را راجع به این موضوع می‌آوریم و هم‌چنین ترجمهٔ کلمهٔ «تعارف» را به زبان انگلیسی بررسی می‌کنیم. مقاله‌های زیادی دربارهٔ تعارف از جنبهٔ زبان‌شناسی به رشتهٔ تحریر درآمده - بعضی از آن‌ها به قلم خود ایرانی‌ها و بعضی دیگر به قلم خارجی‌ها - اما کم‌تر کسانی

۱. غلامحسین زاده، ۱۳۷۹: ۳۶.

هستند که به قضیه تعارف و فهمیدن آن از طرف غیر فارسی زبانان توجه کرده باشند. ترجمه انگلیسی کلمه «تعارف» و سعی برای گذاشتن آن در قالب نظریه‌ای که از آن تنگ‌تر است، باعث فهمیدن نادرست این پدیده شده است که دلیل آن ارائه خواهد شد. در بخش سوم مقاله، با ارائه نمونه افعال و ضمائر زبان فارسی نشان خواهیم داد که خود زبان بهترین پاسخ را به این پرسش می‌دهد و جنبه‌های دیگر مسأله، اگرچه قابل توجه است و نمی‌توان از آن‌ها چشم‌پوشی کرد، به اندازه عامل زبان اهمیت ندارند.

منظور از خارجی‌ها در این مقاله، غربی‌ها و اروپایی‌هایی هستند که با زبان فارسی سروکار دارند، زیرا بیش‌تر غربی‌ها در این باره تحقیق کرده‌اند و دیگر آن که در شرق ممکن است زبان یا زبان‌هایی پیدا شود که بیش‌تر از فارسی این نکته را شامل شود؛ اگرچه از محتوای کتاب‌ها و گفت‌وگو با شرقی‌ها به نظر می‌رسد که از این لحاظ نظیر زبان فارسی در کل جهان کم‌تر پیدا می‌شود.

۱. نظریه ادب

نظریه ادب را می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین نظریه‌های زبان‌شناسی در ۲۰ سال اخیر معرفی کرد. گرایش به این نظریه چندان است که می‌توان آن را زیرشاخه مستقل منظورشناسی^۱ دانست. درحقیقت می‌توان آن را به عنوان پیوندی میان منظورشناسی و جامعه‌شناسی زبان خوانند. نظریه ادب توسط براون و لوینسون

۱. منظورشناسی معادل کلمه انگلیسی Pragmatics است؛ اگرچه معادل‌های دیگر این کلمه را در نوشته‌های زبان‌شناسان ایرانی می‌توان پیدا کرد. بعضی آن را معادل عملکردشناسی در فارسی می‌دانند (ظهاری، ۱۳۸۳) و رایج‌ترین معادل آن کاربردشناسی است. نگارنده این مقاله از منظورشناسی استفاده خواهد کرد؛ زیرا کاربردشناسی با زبان‌شناسی کاربردی که شاخه کاملاً متفاوتی از زبان‌شناسی است (Applied linguistics) تقریباً یکی است. از عملکردشناسی استفاده نکردیم؛ زیرا کم‌تر کسی این کلمه را به کار می‌برد. تنها در فرهنگ زبان و زبان‌شناسی (ظهاری، ۱۳۸۳) این معادل آمده است. به‌علاوه، مشکلی وجود چند ترجمه از یک کلمه تنها در این یک مورد اتفاق نیفتاده است، بلکه مواردی شبیه به این بسیار است. مثلاً کلمه Face را بعضی به «حیثیت» (ما هم از آن ترجمه استفاده می‌کنیم) و بعضی دیگر به «شخصیت» ترجمه می‌کنند. گذشته از این، بین آن‌هایی که از ترجمه حیثیت استفاده می‌کنند، اختلاف وجود دارد. حیثیت مثبت و منفی هم از اصطلاحات منظورشناختی است و علاوه بر این ترجمه، بعضی هم (مثلاً یارمحمدی، ۱۳۷۷) آن را حیثیت جذبی و دفعی می‌دانند. این پدیده به تنهایی می‌تواند موضوع یک مقاله مستقل باشد، زیرا پژوهشگران ایرانی - و حتی بیش‌تر از آن‌ها خارجی‌هایی که با فارسی سروکار دارند - با مشکلاتی روبه‌رو می‌شوند که حلش می‌تواند بسیار بیجیده و دشوار باشد.

(۱۹۸۷) تبیین و عرضه شده است. ادب، راهکار عباراتی است که در محاوره روزمره بین همه مردم و در همه فرهنگ‌ها به کار می‌رود. بنابر این نظریه، هدف از به کار بردن راهکارهای مذکور، حفظ حیثیت مخاطب است. کلمه «حیثیت» ترجمه کلمه انگلیسی Face، به معنی تصویری است که شخصی از هویت، ارزش و استعداد خود دارد. این کلمه در زبان انگلیسی پیشینه بسیار جالبی دارد. می‌گویند در قرن هیجدهم میلادی مردها و زن‌های متعلق به سطح بالای جامعه، صورت خود را بسیار آرایش می‌کردند و مواد آرایشی زیادی روی صورت می‌گذاشتند؛ همه به این امید که به هم‌دیگر مهر بورزند و از آن جایی که به ندرت به حمام می‌رفتند، آن ساخت مواد آرایشی روزبه‌روز روی صورتشان ضخیم و ضخیم‌تر می‌شد. در جشن‌ها، اگر نزدیک به آتش می‌شدند، مواد آرایشی آب می‌شد و صورت و حیثیتشان را به خطر می‌انداخت. آن وقت خدمتکاران، پرده‌ای بین آن‌ها و آتش می‌گذاشتند تا صورت و حیثیتشان حفظ شود.^۱ براون و لوینسون ادعا می‌کنند که، در زندگی روزمره حیثیت ما به خطر انداخته می‌شود و هدف از به کار بردن عبارات مؤدبانه، حفظ حیثیت است. این مسأله شبیه داستان بالا است. براساس نظریه آن‌ها، در هر ارتباط زبانی، متکلم و مخاطب، حیثیت و نیازهای حفظ حیثیت را در نظر می‌گیرند. بنابر نوشته براون و لوینسون، حیثیت دو جنبه دارد: مثبت و منفی. حیثیت مثبت، نیاز انسان به مورد قبول و تأیید واقع شدن است؛ به عبارت دیگر، همه ما می‌خواهیم دیگران نیازها و خواسته‌هایمان را قبول کنند و به آن احترام بگذارند. انتظار هم داریم نیازها و خواسته‌هایمان مورد پسند دیگران باشد. حیثیت منفی، نیاز انسان به استقلال و خودداری دیگران از ورود به قلمرو شخصی اوست؛ یعنی، هر آدم به بلوغ رسیده، نیاز به آزادی کنش دارد و دیگران از کنش‌های او نباید جلوگیری کنند.

چنانچه یکی از حیثیت‌ها، چه مثبت و چه منفی، نادیده گرفته شود، عملکردی به نام «کنش به خطر انداختن حیثیت^۲» صورت می‌گیرد. وقتی که چنین کنشی پیدا شود، گوینده از عبارات مؤدبانه به هدف جبران کردن حیثیت مخاطب استفاده می‌کند. اگر حیثیت مثبت به خطر انداخته شود، برای جبران کردن آن ادب مثبت به کار می‌رود؛ و

1. www.rootsweb.com

2. Face Threatening Act

اگر حیثیت منفی در خطر باشد، ادب منفی صورت می‌گیرد. مردم معمولاً در هم‌کنش (تعامل با یکدیگر) تلاش می‌کنند تا حیثیت مخاطب را به خطر نیندازند؛ به عبارت دیگر، از گفته‌های مؤدبانه استفاده می‌کنند. مهم اینجاست که بدانیم گوینده، حیثیت مخاطب را به خطر نینداخته و در عین حال از حیثیت خود نیز پشتیبانی می‌کند.^۱

نمونه به کار بردن ادب مثبت توجه به موضوعات مورد علاقه مشترک متکلم و مخاطب است. متکلم و مخاطب می‌توانند آرزوها یا مشکلات مشترک داشته باشند و با به کار بردن ادب مثبت، آن‌ها به این موضوعات مشترک توجه می‌کنند. مانند کنش‌گفتار زیر:

عروس، پارچه تشکچه‌ها را نگاه کرد:

- چه قدر قشنگند! خیلی خوش سلیقه‌اند خاله جان.

مادر سبد گل را گذاشت روی چهارپایه گوشه اتاق:

- چشم‌هایتان قشنگ می‌بینند. چه گل‌هایی! چه سبد گلی! چرا زحمت کشیدید.

جعبه شیرینی را از دست بابا گرفت:

- ای بابا، شیرینی هم آوردید. حسابی خجالتی دادید!

در ادب منفی گوینده سعی می‌کند با گفته‌های غیرمستقیم و نشان دادن ناآگاهی از آرزوهای خصوصی مخاطب، حیثیت منفی او را به خطر نیندازد. گوینده در این حالت حیثیت خود را پایین می‌آورد و در عین حال مخاطب را بالا می‌برد. پیشنهادها، حیثیت منفی را به خطر می‌اندازند؛ زیرا به مخاطب فشار می‌آورند تا به گوینده اجازه دهند کاری را بکنند که مورد قبول مخاطب نباشد. گوینده در چنین مواردی معمولاً از عبارت «بیخشید...» استفاده می‌کند، مانند مثال زیر:

(در گفت‌وگوی تلفنی) بیخشید ملیح جون، محمود یک کار فوری با من دارد. دوباره

زنگ می‌زنم، حتماً قربانت. (گوشی را می‌گذارد) فرمایش؟

علاوه بر جنبه منظورشناختی ادب، این نظریه سه جنبه اجتماعی را نیز برای این‌که کنش به خطر انداختن حیثیت صورت بگیرد یا خیر، در نظر می‌گیرد: (۱) قدرت یا

1. Brown, P. & Levinson, S. C. Politeness. some universal in language usage. cambridge university press, 1987, P. 65.

۲. مرادی کرمانی، هوشنگ: مهبان مامان، تهران: نشرنی، ۱۳۸۵: ص ۱۹.

۳. بزشک‌نژاد، ایرج: خانواده نیک اختر، نشر آبی، ۱۳۸۰: ص ۵۹.

موقعیت اجتماعی طرفین گفت‌وگو، (۲) فاصله و یا رابطه اجتماعی طرفین گفت‌وگو از لحاظ آشنایی یا نزدیکی و (۳) میزان سنگینی تقاضا^۱. بنابراین، هرچه طرف متقابل گفت‌وگو با قدرت‌تر، ناآشنا تر و تقاضا سنگین‌تر باشد، براساس این نظریه، سخن‌گوینده مؤدبانه‌تر عرضه می‌شود.

طولی نکشید که نظریه ادب مورد نقد زبان‌شناسان بسیاری قرار گرفت. لازم به ذکر است که انتقاد به نظریه براون و لوینسون عمدتاً از طرف کسانی بود که با زبان‌های شرقی سروکار داشتند. بعضی از آن‌ها ادعا می‌کردند که این نظریه، تعریف دقیقی از ادب نمی‌دهد تا بتوان براساس آن، این پدیده را به طور میان فرهنگی مورد بررسی قرار داد. مهم‌ترین دلیل مخالفتشان با این دو مؤلف، جهانی بودن آن حیثیت بود و به این نتیجه رسیدند که حیثیتی را که براون و لوینسون ایجاد کردند در جامعه‌های شرقی مصداق ندارد. بنابر نوشته‌های این مخالفان، «حیثیت» براون و لوینسون کاملاً شخصی است و تنها به فرد نگاه می‌کند. برعکس، «حیثیت» در جامعه‌های شرقی بیش‌تر جنبه همگانی دارد و راهکارهای ادب، با به خطر انداختن حیثیت مرتبط نیست^۲. در دو بخش آینده به این موضوع بیش‌تر خواهیم پرداخت.

۲. تعارف و نظریه ادب

تردیدی نیست که مفهوم کلمه تعارف در زبان فارسی فوق‌العاده پیچیده است. برای اثبات پیچیدگی این مفهوم، تنها این نکته کافی است که یک معنای آن چیزی به کسی دادن و معنای دیگر هدیه را نپذیرفتن است. برای نمونه معنای آن را از یک فرهنگ می‌آوریم:

خوشامدگفتن به یکدیگر، احوالپرسی کردن از یکدیگر، تکلف و اسباب ضیافت فراهم کردن، دعوت به ضیافت، پیشکش دادن، هدیه، اغراق در ادای احترام و سایر تشریفات به حدی که اسباب ناراحتی طرف مقابل را فراهم سازد^۳.

1. Yarmohammadi, Niloufar: *Politenes strategies in English and persian in contrast*, unpublished do cotoral thesis, Allameh university, Tehran, 2003.

2. Mao, L. R: *Beyond politeness theory: face, revised and renewed*, journal of pragmatics, 21, (1993), p. 451-86. Byran: 2004

۳. این معناها از فرهنگ عامیانه و معاصر، ص ۲۰۳ اخذ شده است. راجع به مفهوم لغوی و اصطلاحی تعارف نک: دانشگر، محمد: «تعارف و فرهنگ آن نزد ایرانیان»، نامه پارسی، س ۷، ش ۲، ۱۳۸۱.

ملاحظه می‌شود که برخی از معانی، متضاد و متقابل معانی دیگر است. بنابراین، مفهوم کل تعارف برای غیر ایرانیان می‌تواند بسیار مشکل و دشوار باشد. متأسفانه، فهمیدن نادرست معنای لغوی تعارف باعث فهمیدن غیر صحیح این پدیده شده و حتی بعضی از محققان ایرانی به اشتباه افتاده‌اند. ویلیام بی‌من، مردم‌شناس مشهور آمریکایی، که حدود ده سال مشغول پژوهش در ایران بوده^۱، تعارف را با گروه اسمی Ritual politeness به زبان انگلیسی ترجمه کرده و سایر محققان عمدتاً از این ترجمه تقلید کرده‌اند^۲. می‌توان گفت که این ترجمه از دو جنبه اشتباه است: یکی آن که مفهوم تعارف حتی از مفهوم کل نظریهٔ ادب وسیع‌تر است و بی‌من آن را فشرده‌تر می‌داند، و دیگر آن که خود معنای این گروه اسمی را به طوری می‌توان به عنوان یک معنای منفی فهمید. از کلمات خود بی‌من نکتهٔ مطرح شده، فهمیده می‌شود:

«در واقع به اعتقاد من، تعارف، تجسم عملی و آئینی شدهٔ ادراکات متفاوت از فرادستی و فرودستی در تعامل است. تعارف انسجام نقش‌های تعریف شدهٔ فرهنگی را - آن گونه که هر ایرانی به انحاء مختلف در زندگی روزمره ایفا می‌کند - حفظ کرده و بر آن تأکید می‌گذارد. جوانان ایرانی نومیدانه، از فراگیر بودن تعارف شکوه می‌کنند؛ اما کاری علیه آن نمی‌توانند بکنند و حتی در عین نارضایتی، خودشان هم تعارف می‌کنند»^۳.

از این کلمات چنین برمی‌آید که تعارف برای ایرانی‌ها سخت می‌نماید، اما در عین حال آن‌ها - اگر چه می‌خواهند - نمی‌توانند خودشان را از چنگ آن رها کنند. البته این نگاه کاملاً نادرست است؛ چون در هیچ زبانی نکته‌ای وجود ندارد که برای اهل آن زبان دشوار باشد. اگر چنین پدیده‌ای به وجود می‌آمد، به زودی از زبان بیرون می‌رفت. همین قاعده یکی از مهم‌ترین قواعد زبانی به شمار می‌رود. زبان، مانند هر پدیدهٔ طبیعی دیگر، با گذر زمان تغییر می‌کند و علت اصلی این تغییرات رها شدن از سختی‌ها و تنگناهایی است که مشکلات را ایجاد می‌کنند. خود بی‌من باید این را

۱. نک: بی‌من، ویلیام: زبان، منزلت و قدرت در ایران، ترجمهٔ رضا ذوقدار مقدم، تهران: نشر نی، ۱۳۸۱: ص ۱۴.

2. Koutlaki, sofia, *offers and expressions of thanks as face enhancing acts: toe'arof in persian*, journal of pragmatics, 34, 1733-1756., Yarmohammad: Nilufar: Politenes starte in English and persian in contrast, unpublished doctoral thesis. Allameh university, Tehran, 2003.

۳. بی‌من: ۹۰.

دانسته باشد و اگر دانسته باشد، این سؤال مطرح می‌شود که چرا این طور نوشته است. به نظر ما، خودش در جای دیگر به این پرسش جواب داده است:

«از سوی دیگر شخص با دوستان صمیمی خود تعارف نمی‌کند و اگر یک طرف، از صورت‌های زبانی محترمانه استفاده کند، طرف دیگر باید گفته‌های او را این گونه تعبیر کند که احترام حقیقی و خالصانه گوینده نسبت به شنونده، استعمال آن‌ها را ایجاد کرده است. البته چنین احساسی فی‌نفسه در روابط بین غیرصمیمی‌ها وجود ندارد (که به اعتقاد من این حقیقت به درستی نشان می‌دهد که ابراز صریح احترام تعارف محسوب نمی‌شود»^۱.

بنابر نوشته بی‌من، اگر بخواهیم به کسی احترام بگذاریم که دوست صمیمی یا عضو خانواده ما به شمار نمی‌رود، راهی نداریم آن را به زبان فارسی ابراز کنیم؛ چون تعارف تنها وسیله نشان دادن احترام به غیر نزدیکان در زبان فارسی است. نتیجه این نوشته برای یک خواننده ناآگاه این است که فارسی‌زبانان - یا به عبارت دیگر ایرانی‌ها - اصلاً به زبان مادریشان نمی‌توانند به دیگران احترام بگذارند و معلوم است که اگر وسیله وجود ندارد، نیاز هم وجود ندارد. قصد بی‌من از این روش همان است که تعدادی از مستشرقان دیگر قبل از وی داشتند و آن، این که ایرانی‌ها ملتی پسررفته و عقب مانده هستند و هرگز نمی‌توانند به پای غربی‌ها برسند، چنان‌که حتی در زبانشان اندیشه‌های پیشرفته وجود ندارد؛ بنابراین اساساً در مغزشان نیز چنین پدیده‌ای موجود نیست. اما از لحاظ زبان و نشان دادن احترام به دیگران و حتی به کسانی که منزلشان پایین تر باشد، اوضاع درست برعکس آن است؛ یعنی واقعاً به زبان فارسی می‌توان احساساتی را ابراز کرد که به بیشتر زبان‌های دیگر ممکن نیست. اصل فهمیدن یک پدیده وابسته به فهمیدن معنای لغوی آن است؛ اگر معنای لغوی کلمه به درستی فهمیده نشود، معنا و ارزش واقعی آن را هم به خوبی نمی‌توان دریافت.

بعد از چنین آغازی عجیب نیست اگر کسی جمله‌های زیر را بنویسد:

«امروز وقتی شما با ۵۰ نفر ایرانی صحبت می‌کنید، ملاحظه می‌نمایید که همگی مخلص و دوست و حتی بنده و چاکر شما هستند، ولی همین که پشت کردید، اگر به شما ناسرا نگویند، قطعاً احساسات خوبی نسبت به شما ندارند. این موضوع همواره

یکی از نکات مورد توجه اروپاییان بوده که نمی‌دانستند چگونه با این ملت رفتار کنند^۱.

بی‌من در جای دیگر اعتراف می‌کند که تعارف از زبان مؤدبانۀ عادی بسیار پهناورتر و گسترده‌تر است^۲. منظور وی از زبان مؤدبانۀ عادی همان ادبی است که بیش‌تر ملل جهان به کار می‌برند، ولی اضافه می‌کند که خود ایرانی‌ها آن را به دلیل آن که بسیار گسترده و وسیع است، کاملاً درک نمی‌کنند. به نظر ما بدیهی است که مردم درگوشه و کنار کشور، مشکلی با تعارف ندارند. در غیر این صورت برقراری ارتباط بین مردم دشوار و غیرممکن می‌شد.

از سوی دیگر، رحمان صحراگرد چارچوبی برای تعارف فارسی ارائه کرده است که به خوبی می‌توان آن را پذیرفت. وی براساس فرازبان معناشناختی طبیعی^۳ قالب تعارف را به دست داده و تعارف را شامل: ادب، رودربایستی، احترام، مهمان‌نوازی و تواضع می‌داند. به نظر صحراگرد «رفتار تعارف» معانی زیر را منعکس می‌کند:

۱. نفر الف با نفر ب است؛
۲. نفر الف با نفر ب با ادب رفتار می‌کند؛
۳. نفر الف به نفر ب احترام می‌گذارد؛
۴. نفر الف با نفر ب با رودربایستی رفتار می‌کند؛
۵. نفر الف نسبت به نفر ب مهمان‌نواز است؛
۶. نفر الف به نفر ب تواضع می‌کند؛
۷. مردم به این علت حرف‌های خوبی دربارهٔ نفر الف می‌زنند؛
۸. نفر اول خوب احساس می‌کند^۴.

در اینجا می‌بینیم که ادب تنها یکی از جنبه‌های تعارف است و علاوه بر آن، چهار جنبهٔ دیگر هم ذکر می‌شود. از آن گذشته، جمله‌های ۷ و ۸ هم جنبهٔ اجتماعی و هم فردی تعارف را نشان می‌دهند. هم‌چنین باید اعتراف کرد که دو مفهوم محبت و

۱. این نظر یک اروپایی دربارهٔ تعارف بود، نک: دانشگر: ۶۹.

2. Beeman, michael: *Double demons: cultural impediments to us-Iranian understanding*, Bren universtiy, 2003, p.217.

3. Natural Semantic Metalanguage

4. Sanragard, Rahman: *semantic primitives in persian*, Humanities and social sciences of sciences of shiraz university, special issac on Languge, 2003.

چاپلوسی نیز با استفاده از عبارات تعارف در زبان فارسی بیان می‌شود. از زندگی روزمره مثال‌های زیادی را می‌توان آورد و ما برای شاهد، یک مثال برای محبت و مثال دیگری برای چاپلوسی می‌آوریم. مثال محبت:

اقدس: خاله جان، سلام، پای شما را بوسیدم.

عفت‌الملوک: سلام به روی ماهت، روی ماهت را بوسیدم.^۱

مثال چاپلوسی و تملق:

کارمند: بنده خدمتتان شرفیاب شدم تا استدعا کنم با تقاضاهای انتقالی که خدمتتان

تقدیم کردم موافقت بفرمایید.

رئیس: من نامه شما را با نظر موافق به کارگزینی فرستادم.^۲

اما هنوز خیلی زود است که بتوانیم راجع به «فرازبان معناشناختی طبیعی» اظهار نظر قاطعی کنیم. شاید تحقیقات بیش‌تر نشان دهد که این فرازبان نتواند آن‌چه را که باید، انجام بدهد. تا به امروز نمی‌توان ادعا کرد اجزاء آن واقعاً جهانی هستند، ولی برای توصیف تعارف مناسب‌تر از «نظریه ادب همگانی» می‌نماید.

بنابراین ادب یا احترام تنها یکی از معانی چندگانه واژه تعارف است و همین تعدد معنایی یکی از علت‌های اشتباه در فهم خارجی‌ان از این واژه شده است. اولین اشتباه زمانی پیش می‌آید که غیر فارسی‌زبانان فرهنگ رفتار تعارف را با همان فرهنگ و تربیت خود مقایسه و درباره آن اظهار نظر و داوری می‌کنند و در نوشته‌های خود نیز همان را نقل کرده‌اند.^۳ البته، آن نوع تعارف که معادل انگلیسی آن *Ritual politeness* است، در زبان فارسی «تعارف شاه‌عبدالعظیمی»، یعنی تعارف سرزبانی و ظاهری، نام گرفته است.^۴ بنابراین گروه اسمی انگلیسی تنها می‌تواند ترجمه این کلمه باشد و این تنها یکی از جنبه‌های تعارف به شمار می‌رود. در حالی که تعارف مفهومی بسیار

۱. دانشور، سیمین: به کی سلام کنم؟، ج پنجم، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۰: ص ۹۵.

۲. باطنی، محمدرضا: چهار گفتار درباره زبان، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۵۲: ص ۹۲.

۳. دانشگر: ۶۹.

۴. قبلاً وقتی که وسیله نقلیه سریع‌السیر نبود و مردم پیاده به زیارت شاه‌عبدالعظیم می‌رفتند، چنان‌چه آنجا وارد خانه آشنا می‌شدند، میزبان به زودی می‌پرسید آیا شب می‌ماند یا تشریف می‌برند. آن وقت می‌گفت: «به این خاطر می‌پرسم که اگر رفتنی هستید، طوری بلند شوید که آفتاب را به شهر برسانید.» یعنی زودتر رفع زحمت بکنند. (شهری، جعفر: قند و نمک (ضرب‌المثل‌های تهرانی به زبان محاوره)، ج دوم، تهران: انتشارات معین، ۱۳۸۴، ص ۲۰۹).

گسترده‌تر از این دارد. لذا ایرانیان می‌گویند: «تعارف اومد و نیومد داره».

۳. بررسی نظام ضمیر و فعل زبان فارسی از جنبه تعارف

همه زبان‌های جهان بسته به شرایط متغیری که در آن‌ها به کار برده می‌شوند و بسته به وظیفه‌های متنوعی که به عهده می‌گیرند، گونه‌های مختلفی پیدا می‌کنند؛ به این گونه‌ها، که از تفاوت کاربرد ناشی می‌شود، سبک گفته می‌شوند. در اینجا با سبک ادبی کاری نداریم، مفهوم سبک در اینجا عام‌تر از آن به کار می‌رود. سبک چه ربطی به ضمائر و افعال فارسی دارد؟ سبک زبان به سه عامل بستگی دارد: موضوع، وسیله بیان و (نکته‌ای که به‌ویژه مورد توجه این بخش مقاله خواهد بود): رابطه اجتماعی میان گوینده و شنونده^۱.

سبک بسته به موضوع تغییر می‌کند؛ مثلاً زبان یک سخن‌رانی مذهبی با گزارش یک مسابقه فوتبال تفاوت می‌کند. باز این هر دو، با سبک یک سخن‌رانی علمی تفاوت پیدا می‌کند. فرض کنیم که گوینده‌ای برای گزارش یک مسابقه فوتبال از سبک یک سخن‌رانی مذهبی استفاده کند؛ کار او چه قدر موجب خنده و یا تعجب خواهد شد؟! بنابراین، موضوع یک عامل مهم سبک است.

منظور از وسیله بیان، زبان گفتاری و نوشتاری است. در هر زبان بین سبک گفتار و سبک نوشتار تفاوت‌هایی وجود دارد که باید رعایت نمود. این تفاوت‌ها بسته به زبان فرق می‌کند؛ ولی تفاوت بین گفتار و نوشتار به طور کلی در هر زبانی وجود دارد. یکی از دلایل این فرق، دگرگونی سریع‌تر زبان گفتار نسبت به نوشتار است. تعارف فارسی زمینه‌ای است که در آن تفاوت بین گفتار و نوشتار به خوبی دیده می‌شود. اما عامل سوم در تعیین سبک بیشتر این تفاوت را آشکار می‌کند و آن رابطه اجتماعی موجود بین گوینده و شنونده است.

اختلاف سطح اجتماعی در همه جوامع یافت می‌شود؛ اما در بعضی از زبان‌ها چندان به چشم نمی‌آید و در بعضی به طور بارزی آشکار می‌شود. به طور کلی می‌توان گفت که زبان‌های شرقی بیشتر از زبان‌های غربی اختلاف سطح اجتماعی گویندگان خود را منعکس می‌کنند. مثلاً زبان انگلیسی و به‌خصوص انگلیسی آمریکایی، چندان

نشان‌دهندهٔ اختلاف سطح اجتماعی گوینده و شنونده نیست؛ درحالی‌که زبان ژاپنی و به‌خصوص زبان جاوه‌ای، دارای سطوح اجتماعی متفاوتی است که به‌سرعت وضع گوینده را نسبت به شنونده یا کسی که دربارهٔ او صحبت می‌شود، مشخص می‌نماید. زبان فارسی کم‌تر از زبان‌هایی چون جاوه‌ای یا ژاپنی و بیش‌تر از زبانی چون انگلیسی، اختلاف سطح گوینده و شنونده را آشکار می‌کند.^۱ از طرف دیگر، مؤلفانی چون م. هیلمان ادعا می‌کنند که تعارف در زبان فارسی فضای استفاده‌ای حتی گسترده‌تر از keigo (که معادل آن در زبان ژاپنی است) دارد. زبان فارسی بیش‌تر از دیگر واحدهای کلمه‌ای، ضمائر و افعال را در خود منعکس می‌کند.^۲ فراموش نکنیم که عامل دوم، یعنی مسألهٔ زبان‌گفتاری و نوشتاری نیز تأثیر می‌گذارد. تعارف فارسی ویژهٔ گفتار است و در زبان نوشتاری بسیار کم و به‌ندرت دیده می‌شود. در ارتباط با قدرت، منزلت و همبستگی، عبارات تعارف در فارسی دارای دو بعد اصلی است:

۱. کاربرد عام آن، یعنی فروتنی عمومی؛

۲. کاربرد ویژهٔ آن که با مقولات سلطه و همبستگی رابطه دارد.^۳

به‌کار بردن عبارات احترام‌آمیز بین گویندگان زبان فارسی به‌عنوان یک ویژگی مقبول اجتماعی، جایگاه خاص خود را دارد. درعین‌حال استفاده از صورت‌های فاقد نشانهٔ احترام هم دیده می‌شود؛ ولی نشان دادن درجه‌ای از احترام از سوی بالادست هم، قابل درک است و درکنش‌های گفتاری متعددی ملاحظه می‌شود که نشانهٔ چیزی متفاوت از سلطه و قدرت است. جهانگیری ادعا می‌کند^۴ که این مسأله می‌تواند بیان‌کنندهٔ شخصیت آزاداندیش فرد باشد؛ اما نگارنده با این گفته‌ها موافق نیست. به‌کار بردن صورت‌های محترمانه از سوی بالادست، یک هنجار همگانی بین فارسی‌زبانان است. البته نشانهٔ آزاداندیشی هم می‌تواند باشد؛ ولی تعارف در زبان فارسی یک هنجار اجتماعی است و هنجار را با هیچ‌گونه آزاداندیشی یا ناآزاداندیشی

۱. همان: ۹۰.

2. Hilman, michal: *Language and social distions in Iran*, state university ag New york press, 1981, p. 3380.

۳. نک: جهانگیری، نادر: «گونه‌های احترام به سلطه و همبستگی در زبان فارسی امروز»، در زبان بازتاب زمان، فرهنگ و اندیشه (مجموعه مقالات)، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۸: ص ۱۲۶.

۴. همان: ۱۲۷۹.

نمی‌توان مقایسه کرد. تعارف یا احترامی که از حد هنجار بالاتر رود، می‌تواند نشانه آزاداندیشی از سوی فرادست و همچنین چاپلوسی و تملق از سوی فرودست باشد.

۳-۱. دستگاه ضمیر

وقتی که دانشجویان خارجی سیستم ضمیر زبان فارسی را یاد می‌گیرند، همان ضمایر زبان نوشتاری را می‌آموزند؛ ولی وقتی با فارسی‌زبانان ملاقات می‌کنند، به زودی درمی‌یابند که ضمایر نوشتاری در زبان گفتاری روزمره، مورد استفاده قرار نمی‌گیرند و باید از ضمایر دیگری استفاده کنند. شاید این نکته برای فارسی‌زبانان جالب نباشد، اما حتماً این نکته قابل توجه فارسی‌آموزان است که: تنها ضمایر اول شخص جمع و سوم شخص جمع با زبان نوشتاری فرق نمی‌کنند؛ همه ضمایر دیگر در نوشتار با گفتار تفاوت می‌کنند. آن‌ها مجبور نیستند از این ضمایر گفتاری استفاده کنند؛ ولی بدین‌سان، هرگز به زبان فارسی تسلط نمی‌یابند و علاوه بر این، فارسی‌زبانان آن‌ها را به‌کار می‌برند و این نکته را باید قبول کنند.

ضمایر فارسی معمولاً دارای سه سطح است: سطح خنثی، سطح پایین و سطح بالا. لازم است اضافه کنیم که سطح خنثی برابر زبان نوشتاری است، سطح پایین برای متکلم و سطح بالا برای مخاطب یا سوم شخص به‌کار برده می‌شود.

اول شخص

این ضمیر دارای دو سطح است: خنثی یا ضمیر من، و پایین. بنده؛ این واژه به عنوان صورت مؤدبانه دارای گسترده‌ترین کاربرد در جایگاه ضمیر اول شخص مفرد است.

«اگر ۲۵ درصد کل قیمت باشد که بنده باید یک چیزی هم از جیبم تقدیمشان کنم».

برخی محققان می‌گویند اصطلاحات دیگری هم برای اول شخص مفرد پیدا می‌شود؛ مثل حقیر، دعاگو یا چاکر. به نظر ما این سه، ضمیر محسوب نمی‌شوند؛ چون معمولاً با فعل سوم شخص مفرد مطابقت می‌کنند؛ درحالی‌که ضمیر اول شخص مفرد باید با فعل اول شخص مفرد مطابقت کند. به‌هرحال، هدف این مقاله جمع کردن

عبارات تعارف نیست؛ به نظر نگارنده (نگارنده را هم بنابر نظر بالا می‌توان به عنوان ضمیر اول شخص مفرد دانست!) این کار بر عهده ایرانیان است. هدف از این مقاله تنها بررسی سیستم ضمیر و فعل و براساس آن اشاره کردن به یک ویژگی خاص زبان فارسی است، که در بیش‌تر زبان‌ها وجود ندارد.

به عنوان یک قاعده کلی در نظام صورت‌های محترمانه، گوینده، هر قدر هم که سلطه داشته باشد، صورت سطح بالا برای اول شخص، برای او وجود ندارد. این بس دلیلی است که به کار بردن تعارف، رابطه مستقیم با قدر و منزلت ندارد. تنها نقش اجتماعی‌ای که در اینجا تأثیر می‌گذارد، می‌تواند نقش گوینده و مخاطب باشد. بنابراین، اگر گوینده زبان فارسی نسبت به شنونده بالادست باشد، نمی‌تواند با ضمیر خاصی آن را برای خودش ابراز کند، بلکه امکان دارد خود را تنها به عنوان یک فرودست یا برابر شنونده معرفی کند. این نکته را هیچ تعارف‌شناس و هیچ فارسی‌آموزی هرگز نباید فراموش کند.

دوم شخص

در سطح خنثی دو ضمیر، مثل هر زبان دیگر، پیدا می‌شود: «تو» برای مفرد و «شما» برای جمع.

تو؛ این ضمیر بسیار پربسامد است و می‌تواند شاخص رابطه همبستگی میان سخنگو و مخاطب در یک طبقه اجتماعی باشد، مانند:

«اولاً، هیچ لازم نیست بیان کنی، نازکی طبع لطیف تو احساسات تو را توی نگاهت منعکس می‌کند!»
در چنین مواردی به ضمیر «تو» به عنوان ضمیر سطح خنثی نگاه می‌شود. به علاوه، این ضمیر در گفت‌وگوی روزمره سطح پایین هم گاهی اوقات به کار می‌رود و ممکن است مشکلاتی بین متکلم و مخاطب ایجاد کند.

شما؛ کاربرد این ضمیر به جای دوم شخص مفرد تقریباً در همه زبان‌های جهان یکی از معمول‌ترین شیوه‌های احترام است. این ضمیر در زبان فارسی نشان‌دهنده همبستگی کم‌تر و احترام بیش‌تری نسبت به «تو» است. احترامی که «شما» در بردارد، به هیچ وجه گویای تملق نیست. مثلاً این ضمیر می‌تواند به نشانه احترام فرزند به پدر

در خانه به کار رود^۱. در بیش‌تر زبان‌های دیگر، دست‌کم بین بسیاری از گویشوران، این کاربرد ضمیر، یعنی بین پدر و فرزند، موجود نیست. معمولاً «شما» در زبان‌های جهان فقط ضمیری برای نشان دادن احترام است؛ ولی مطابقت آن در زبان فارسی با فعل دوم شخص مفرد نشان می‌دهد که نقش این ضمیر برای فارسی‌زبانان با نقش آن در زبان‌های دیگر متفاوت است:

«خیلی خیلی ممنون، اما شما اول به من بگو آیا خردل اینجا نه آمد؟^۲»

البته، «شما» با دوم شخص جمع هم مطابقت می‌کند:

«دیگر خجالتم ندهید. خب عروس خانم، بفرمایید شما چند تا خواهر و برادرید؟^۳»

شماها؛ متکلمانی که از واژه «شما» به صورت احترام به مخاطب دوم شخص مفرد استفاده می‌کنند، برای ایجاد تقابل، علامت جمع «ها» را به آن می‌افزایند: «شماها». همه طبقات اجتماعی از این واژه به طور گسترده‌ای، هم در گفتار و هم در نوشتار روزمره غیررسمی استفاده می‌کنند^۴.

«بدی جان، خواهش می‌کنم شماها دیگر در صحبت من و آقای دکتر هیچ دخالت نکنید.^۵»

برای بسیاری از فارسی‌آموزان خارجی، جمع بستن ضمیر جمع خیلی عجیب و گاهی اوقات حتی خنده‌دار به نظر می‌رسد و علت آن این است که تقریباً هیچ زبانی در جهان امکان جمع بستن ضمیر «شما» را ندارد؛ مثلاً در زبان انگلیسی حتی دوم شخص مفرد با دوم شخص جمع فرق نمی‌کند.

عالی؛ این واژه بین همه فارسی‌زبانان کاربرد گسترده‌ای دارد و نشانه احترام و یا گاهی اوقات سلطه است.

«الو جناب محمدی، سلام عرض می‌کنم... خیلی ممنون... بله، خوب، خوب، چی... کی؟ همین امروز؟ آخر چه موقع؟ چرا آقای اریکسون فوری به ما خبر نداد؟... تلفن ما؟ چه موقع؟ عجب است. به هر حال، از ایشان تشکر کنید. لطف عالی زیاد^۶».

اما ضمیر «عالی» به ندرت در این شکل می‌آید و بیش‌تر قبل از آن یا «جناب» یا

۱. جهانگیری: ۱۳۳.

۲. پرشک‌نژاد: ۱۲۰.

۳. مرادی کرمانی: ۴۴.

۴. جهانگیری: ۱۳۸.

۵. پرشک‌نژاد: ۱۲۳.

۶. همان: ۶۷.

«حضرت» چسبیده می‌شود (جنابِ عالی، حضرتِ عالی) که نشانهٔ احترام بیشتر است:

«بله بله، حکم تخلیه رو که توسط نمایندهٔ قانونی وَرژِه، یعنی جنابِ عالی، صادر شده بود، دریافت کردیم»^۱.

عموماً «جناب» و «حضرت» قبل از عنوان و نام برای خطاب رسمی و همراه با احترام برای مردان به کار می‌رود. برای خانم‌ها معمولاً از واژهٔ «سرکار» استفاده می‌شود.

سوم شخص

ضمیر سوم شخص مفرد دارای هر سه سطح است. سطح پایینش «اون» یا «این» است و در سطح خنثی «او» یا «وی» در زبان نوشتاری به کار می‌رود. برای ابراز احترام به مخاطب سوم شخص مفرد در زبان فارسی، به جای «او» ضمیر سوم شخص جمع «ایشان» (ایشون) می‌آید و با فعل سوم شخص جمع مطابقت می‌کند.

- مامان چه‌طورند؟

- الحمدلله، بد نیستند، اینجا نشسته‌اند سرِ نماز.

- گوششان چطوره؟

- خراب. گاهی سمعکشان را می‌گذارند، گاهی نمی‌گذارند، چون اذیتشان می‌کند...

- خوب چرا یک سمعک حسابی نمی‌گیرند؟ امروز دیگر سمعک‌هایی ساخته‌اند اندازهٔ یک بادام، به

گوش‌های صددرصد کر هم مقداری صدا می‌رساند. مامان چرا به این سمعک عهد بوقی چسبیده‌اند؟

- بیا از خودشان پرس! هر چه التماسشان کرده‌ایم، فایده نکرده. می‌گویند این سمعک را آسید صالح

رمال خرج راهش را داده‌اند برده... بعد گذاشته توی گوششان.

اگر کلمهٔ مادر در ابتدای این گفت‌وگو وجود نداشت، همه این طور می‌فهمیدند که صحبت دربارهٔ جمع است. به کار بردن ضمیر سوم شخص جمع به جای مفرد، برای شخص خیلی نزدیک، دلیلی دیگر است برای اثبات دو نکته؛ یکی این که زبان فارسی امکانات بسیاری برای نشان دادن احترام به دیگران دارد و دیگر این که در فارسی برای احترام واقعی نیز از عبارات تعارف استفاده می‌شود. زبانی (انگلیسی) که گویندهٔ آن

۱. مهرجویی، داربوش: اجاره نشین‌ها، تهران: انتشارات تیرازه، ۱۳۷۴: ص ۱۱.

ادعا می‌کند تعارف برای ابراز احترام صادقانه به‌کار نمی‌رود^۱، از ضمیر ویژه دوم شخص نمی‌تواند حتی مستقیماً برای مخاطب استفاده کند. منظور از ذکر این نکته به هیچ وجه ضعف زبان انگلیسی نیست، چون هر زبان به طوری کامل است؛ اگرچه اگر می‌خواستیم مانند آقای بی‌من تحلیل کنیم، می‌توانستیم از این نکته سوءاستفاده کنیم.

۲-۳- دستگاه فعل

تنوع حیرت‌انگیز دستگاه فعلی زبان فارسی یکی از جالب‌ترین ویژگی‌های به‌کار بردن احترام است. این تنوع در فعل حتی بیش‌تر از دستگاه ضمیر قابل توجه است. این گوناگونی فعلی، گاهی تا نه صورت مختلف را برای یک فعل امکان‌پذیر می‌کند^۲. صورت‌های زبانی ذکر شده «اتیکت»^۳ نامیده می‌شود و دو شاخه زبان‌شناسی، یعنی جامعه‌شناسی زبان و منظورشناسی را، به هم پیوند می‌زند. پیوند آن با منظورشناسی در این نکته است که استفاده از یکی از صورت‌ها بستگی به نقش آن در کنش‌گفتار^۴ دارد و از نظر جامعه‌شناسی زبان بسیار درخور توجه است؛ زیرا منعکس‌کننده روابط اجتماعی نهفته و ظریفی است که میان گوینده و شنونده وجود دارد. محمدرضا باطنی^۵ مدعی است که این صورت‌ها روابط بین طبقات مختلف یک جامعه را می‌سازند که تا حدودی درست است، ولی کاملاً درست نیست. به‌کار بردن این صورت‌ها میان طرفین گفت‌وگو که از نظر سلسله‌مراتب اجتماعی، هم‌طبقه هستند، نشان می‌دهد که مهم‌ترین نقشی که تعارف فارسی آن را می‌سازد، نقش متکلم یا مخاطب است؛ چرا که صورت مؤدبانه را نه فقط برای شنونده به‌کار می‌برند، بلکه برای همه آن‌هایی که گوینده نیستند. نیز بدیهی است که این یکی دیگر از دلایلی به شمار می‌رود که تعارف در زبان فارسی در درجه اول احترام و تواضع عمومی را منعکس می‌کند.

افعالی که در کنش روزمره بین فارسی‌زبانان بیش‌تر رواج دارد، مانند ضمیر سه

۱. نک: مقاله حاضر، ص ۵۵، نقل قول از بی‌من.

۲. جهانگیری: ۱۳۸.

3. Etiquette

4. Speech act role

۵. باطنی: ۹۳.

سطح دارند: سطح خنثی یا برابر زبان نوشتاری، سطح پایین که به‌گونه‌ای اول شخص اشاره می‌کند و سطح بالا که معمولاً برای دوم و سوم شخص به کار می‌رود. در اینجا چند فعل و صورت‌هایشان را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا نشان دهیم که نقش فعل از نظر تعارف، مانند همان نقشی است که ضمیر دارد.

*** آمدن؛ سطح بالای این فعل، «تشریف آوردن» است:**

«بابا، خانم اخوان با شما کار دارد. دم در است و می‌گوید چند دقیقه تشریف بیاورید»^۱.

دستگاه فعل با دستگاه ضمیر رابطه‌ای مستقیم دارد. بنابر این رابطه، فعل فقط سطح بالای ضمیر با سطح بالای مطابقت می‌کند. جمله «* من تشریف آوردم»^۲ را هر ایرانی‌ای جمله‌ای نادرست می‌داند.^۳

سطح پایین: «(به) خدمت رسیدن»:

«بله، طبق اظهار تمایل خود آقایان، خدمت رسیدیم»^۴.

همان‌طور که سطح بالای فعل با سطح بالای ضمیر مطابقت می‌کند، سطح پایین آن هم با سطح پایین ضمیر مطابقت می‌کند. بنابراین، نمی‌توان گفت: «* شما (یا جناب عالی) به خدمت رسیدید». البته صورت‌های محترمانه و متواضعانه بسیاری از این فعل - و هم فعل‌های دیگر - پیدا می‌شود و این مثال‌ها، تنها نمونه‌هایی برای نشان دادن سلسله‌مراتب افعال زبان فارسی است.

*** رفتن؛ سطح بالای این فعل همان ساختار سطح بالای فعل آمدن را دارد؛ تنها تفاوت آن است که به جای فعل کمکی آوردن، فعل بردن به کار می‌رود: «تشریف بردن».**

«الان هم تشریف ببرین پایین مزدتونو از خودتون بگیرین. بفرمایین»^۵.

سطح پایین: «مرخص شدن»:

۱. مرادی کرمانی: ۴۱.
۲. علامت ستاره در زبان‌شناسی نشانه صورت نادرست است. آن را معمولاً در مواردی مانند مثال روبه‌رو می‌گذاریم: * من او را دیدند.
۳. راجع به امکانات و محدودیت‌های ناشی از ترکیب ضمائر با فعل نک: جهانگیری، نادر: «گونه‌های احترام، سلطه و همبستگی در زبان فارسی امروز»، صص ۱۴۳-۱۵۸.
۴. آل‌احمد، جلال: مدیر مدرسه، نشر پارینه، ۱۳۸۵: ص ۶۵.
۵. مهرجویی: ۸۷.

«خاله جان، خیلی زحمت دادیم. دیگر با اجازه‌تان مرخص می‌شویم»^۱.

نکته دیگری را در اینجا اضافه می‌کنیم: قبلاً گفتیم که ضمیر «شما» گاهی با صورت مفرد مطابقت می‌کند. بنابراین جمله «شما رفتی» در زبان فارسی درست است، اما: «* شما تشریف بردی» نادرست. یعنی فعل سطح بالا صورت مفرد نمی‌پذیرد، اگرچه فاعل آن مفرد است؛ «جناب عالی»: * جناب عالی رفتی. جناب عالی تشریف بردی. اما: جناب عالی تشریف بردید.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ضمیر «شما» در زبان فارسی مانند اکثر زبان‌های جهان همیشه نشانه سطح بالا نیست.

* بودن؛ سطح بالا: «تشریف داشتن»:

- اصلاً، شام باید تشریف داشته باشید.

- متشکرم، شام که اصلاً مهمانم^۲.

سطح پایین: «(در) خدمت بودن»:

«یادتان هست این دفعه آخری که خدمتتان بودیم، ضمن صحبت گفتید که...»^۳.

* دادن؛ سطح بالا: «لطف کردن (یا لطف فرمون)»:

- این اظهاریه کافیه؟

- بله، خیلی دقیقه. (می‌گیرد) اگر چکیش هم لطف کنید^۴.

«مرحمت کردن (یا فرمودن)»:

«سلام، آقای مهندس. می‌بخشید. به آقا بفرمایید روز نسیم شده، بی‌زحمت مزد ما را مرحمت

بفرمایید»^۵.

سطح پایین: «تقدیم کردن»:

- دیگه به شما اطمینان ندارم. پول اینجاس، ولی اول چکو باید ببینم.

۱. مرادی کرمانی: ۸۴.

۲. پزشکی‌نژاد: ۱۴۹.

۳. همان: ۱۲۲.

۴. بیضایی، بهرام: سگ‌کشی، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۱: ص ۵۰.

۵. مهرجویی: ۸۳.

- (ترسان) تقدیم می‌کنم. عصبانی نشید، تقدیم می‌کنم.^۱

*گفتن؛ این فعل هم دارای سه سطح است. علاوه بر سطح خنثی، چند عبارت سطح پایین دارد:

«مهندس خدمت شما خیلی سلام رساند، گفت به شما عرض کنم موضوع خانه، قابل حله^۲. از سر اون خیابون، از فلکه بستان‌آباد تا اینجا، این خونه نوزدهمیه. عرض به حضور مبارکتون که: این می‌شه بیست و یکم، بعد اینجا بیستم و سوم تا اون آخر^۳.»
«من که می‌دانم نمازتان تمام شده، الان داشتید کتاب دعا می‌خواندید. سمعکتان را بگذارید، عرض دارم^۴.»

«اما، نه این قدر که مدرسه تعطیل بشود خانم، و لابد به عرضتون رسیده که همکارهای شما خودشان نشسته‌اند و تصمیم گرفته‌اند که هجده ساعت درس بدهند. بنده هیچ‌کاره‌ام^۵.»
سطح بالایی این فعل که به غیرگوینده اشاره می‌کند، فعل «فرمودن» است:
«دیگر خجالتم ندهید. خب عروس خانم، بفرمایید شما چند تا خواهر و برادرید؟^۶»
غیر از گفتن، این فعل می‌تواند معنای افعال دیگری را هم به عهده بگیرد؛ اما تنها به عنوان جانشین فعلی که بتوان آن را با شکل سطح بالا نشان داد. مثلاً، یکی از معنای آن «نشستن» است:

«چرا خانم همین طور وایستاده‌اند؟ چرا نمی‌فرمایید، خانم جان^۷؟»

به علاوه، فعل «فرمودن» به عنوان فعل کمکی در بسیاری از فعل‌های مرکب یا عبارت‌های فعلی به جای فعل‌های کمکی دیگر می‌آید. در مثال ذیل جانشین فعل «دادن» شده است:

«این هم به خاطر شما به سلامتی، اما باید اجازه بفرمایید مرخص بشوم چون خانه مهمان دارم.»

۱. بیضایی: ۷۶.
۲. پزشک‌نژاد: ۱۱.
۳. مهرجویی: ۶.
۴. پزشک‌نژاد: ۶۴.
۵. آل‌احمد: ۱۱۳.
۶. مرادی کرمانی: ۴۴.
۷. پزشک‌نژاد: ۱۴۵.

- اِوَا، چرا به این زودی؟

- عرض کردم که، آدم سرپا خدمت شما یک سلام بکنم. ان شاء الله، مفصل

دست‌بوستان می‌آیم^۱»

اما در بیش‌تر موارد، «فرمودن» جای فعل کمکی «کردن» را می‌گیرد. این پدیده در زبان مردم در هر گوشه ایران ملاحظه می‌شود: در خیابان‌ها، اتوبوس‌ها، داخل ساختمان‌ها و بسیاری از جاهای دیگر؛ برای مثال چند نمونه می‌آوریم که در آنها «فرمودن» به عنوان فعل کمکی وجه امر به کار رفته است؛ گفتنی است که این فعل در جملات زیر نقش نرم کردن (تعذیل و تعطیف) امر مستقیم را منعکس می‌کند:

- میهمانان عزیز! لطفاً بهداشت عمومی و نظافت را رعایت فرمایید. متشکرم.

- جهت حفظ سلامتی خواهشمند است از وارد شدن با کفش جداً خودداری

فرمایید. با تشکر.

- خواهشمند است حجاب و شئونات اسلامی را رعایت فرمایید.

- لطفاً قبل از گرفتن شماره موردنظر؛ عدد ۹ را شماره‌گیری فرمایید.

- میهمانان گرامی! خواهشمند است برای دریافت بسته‌های ویژه بیست و پنجمین

جشنواره فیلم فجر، در ساعت مقرر به روابط عمومی مراجعه فرمایید.

- مشتری گرامی، در هنگام خرید دقت فرمایید: مرجوعی و تعویض کتاب به هیچ

عنوان پذیرفته نمی‌شود.

- لطفاً از اجناس داخل دیدن فرمایید.

- لطفاً ابتدا فیش تهیه فرمایید.

- ورود هر گونه فرش، زیرانداز و گاز پیکنیک به محوطه باغ اکیدا ممنوع می‌باشد.

لطفاً همکاری فرمایید.

- هنگام استفاده از آب به علائم هشداردهنده توجه فرمایید.

- لطفاً از درب پاساژ مراجعه فرمایید.

هم چنین «فرمودن» به عنوان فعل کمکی وجه نهی پیدا می‌شود و نقش آن در

چنین جمله‌ها همان نقشی است که در فعل امر:

- لطفاً جلوی درب پارک نفرمایید. در غیر این صورت پنجر می‌شوید.

- لطفاً مقابل پل توقف نفرمایید.

- شهروندان گرامی! لطفاً کتاب‌ها را از اتوبوس خارج نفرمایید.

از همه این نمونه‌ها پیداست که در هم‌کنش میان فارسی‌زبانان، صورت‌های ویژه‌ای از فعل‌ها به کار می‌رود. یاد گرفتن این صورت‌ها را برای فارسی‌آموزان خارجی می‌توان آسان کرد؛ باید به آن‌ها یادآوری کرد که در زبان فارسی گفتاری، فعل‌ها وجه هم‌کش دارند. درست همان‌طور که از وجه معلوم با استفاده از فعل «شدن» به جای فعل کمکی «کردن» وجه مجهول ساخته می‌شود، می‌توان گفت که وجه هم‌کنش نیز از صورت‌های نوشتاری فعل به طوری ساخته می‌شود که به جای فعل کمکی «کردن» فعل «فرمودن» می‌آید. به عبارت دیگر، نگارنده این مقاله پیشنهاد می‌کند که در آموزش زبان فارسی یک وجه فعل جدید اضافه شود. البته وجه هم‌کش تنها در زمینه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان قابل استفاده است؛ زیرا خود فارسی‌زبانان، مثل گویشوران همه زبان‌های جهان، آن را به آسانی و بدون هیچ اشکالی یاد می‌گیرند. بنابراین، وجه فعل که پیشنهاد این مقاله است، می‌تواند قاعده زیر را داشته باشد:

در هم‌کنش با فارسی‌زبانان برای چند فعل پرسامد از صورت‌های خاص آن‌ها استفاده کنید و در فعل‌های مرکبی که از فعل کمکی «کردن» ساخته می‌شوند، به جای «کردن» فعل «فرمودن» را به کار ببرید.

۴. به جای نتیجه: چشم‌انداز

به نظر نگارنده این مقاله، سه علت اصلی وجود دارد که فهمیدن تعارف فارسی را برای فارسی‌آموزان خارجی دشوار می‌سازد:

اول: نظریه ادب عمومی حداقل آن قدر که براون و لوینسون تصور کرده‌اند، جهانی نیست. گفته می‌شود مفاهیمی چون ادب و حیثیت در فرهنگ‌های مختلف با هم اختلاف اصولی دارند^۱. مفاهیمی که منظورشناسی با آن‌ها رابطه دارد، بیش‌تر با فرهنگ غربی دم‌سازی دارند؛ لذا فارسی‌آموزانی که از شرق جهان می‌آیند، (نه فقط

۱. برای آگاهی بیش‌تر در این باره نک: بارمحمدی، لطف‌الله: «مقابله منظورشناختی در زبان‌های انگلیسی و فارسی با عنایت به چارچوب‌های فکری راهبردهای تلویحی فرهنگی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، شماره سوم، ۱۳۷۷.

غربی‌ها) تعارف فارسی را با فرهنگ خود مقایسه می‌کنند و این اولین اشتباه آن‌هاست. در فرهنگ ایرانی لازم نیست حیثیت مخاطب به هیچ‌وجه به خطر انداخته شود تا متکلم از صورت‌های مؤدبانه استفاده کند. از این رو، تعارف فارسی با هدف جبران حیثیت به خطر انداخته شده، به کار نمی‌رود. تعارف یک هنجار اجتماعی است که در میان ایرانی‌ها چشمگیر می‌نماید و این نکته را هر فارسی‌آموز در جهان باید بداند. علاوه بر آن باید به آن‌ها توضیح داد که عبارات تعارف، معنای ضمنی^۱ دارند که در بسیاری از پدیده‌های دیگر هم به چشم می‌خورد و این امر در همه زبان‌ها مشترک و جهانی است. گذشته از فعل و ضمیر، تعارف در جمله‌ها، عبارت‌ها، گروه‌های اسمی و صفت‌ها نیز جلوه دارد و فعل و ضمیر تنها نمونه‌ای است از بخش وسیع‌تری از زبان که کاربردی گسترده‌تر دارد.

دوم: تعارف پژوهان خارجی هم نقش مهمی در این مسأله داشته‌اند. بعضی از آن‌ها – چنین به نظر می‌آید – به عمد، تعارف را پدیده‌ای بیگانه و شگفت‌انگیز جلوه داده‌اند. در گوشه و کنار جهان امور ویژه‌ای وجود دارد که نشانه تنوع ملت‌ها و زبان‌ها محسوب می‌شود؛ به هیچ‌وجه این ویژگی‌ها، ضعف یا امتیاز بعضی به شمار نمی‌روند، بلکه آن‌ها نکته‌هایی جالب و قابل تحقیق و تطبیق (یا مقابله) هستند. کار این پژوهشگران تأثیر بزرگی بر فارسی‌آموزان خارجی گذاشته است؛ چرا که آن‌ها اول به گفته‌ها و نوشته‌های هم‌وطنان خود مراجعه می‌کنند و در آغاز کار خود، تعارف را به طور نادرست و غیر صحیح می‌فهمند.

سوم: خود ایرانی‌ها هم در این میان بی‌تقصیر نبوده‌اند. همه قبول دارند که تعارف از مسائل بسیار مهم و ضروری برای تحقیق در فرهنگ است؛ با وجود این، کم‌تر فعالیتی در این زمینه صورت پذیرفته است. پس چه باید کرد؟

راهی برای فهماندن پدیده تعارف به غیر ایرانیان وجود دارد. آن را با اطمینان می‌توان اثبات کرد. زبان‌شناسی کاربردی^۲ راه‌حل‌های زیادی برای حل مشکلات یادگرفتن زبان‌های خارجی ایجاد کرده و این راه‌ها را می‌توان به زبان فارسی هم به کار برد. کتاب‌های آموزش زبان فارسی به این نکته توجه کافی نمی‌کنند. اگر کتابی در

1. Connotative meaning
2. Applied linguistics

آینده نزدیک پیدا شود که به قواعد به کار بردن تعارف پردازد، آشنایی درست و هم‌چنین یادگرفتن صحیح آن را بسیار آسان خواهد ساخت. این مقاله یک قاعده را ایجاد کرده و امید است قواعد دیگری هم به زودی در نوشته‌های زبان‌شناسان ایرانی پیدا شود. روی هم‌رفته، از نقش خارجیان در این کار به هیچ وجه نباید چشم‌پوشی کرد.



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع

- آل احمد، جلال: مدیر مدسه، تهران: نشر هنر پارینه، ۱۳۸۵.
- باطنی، محمدرضا: چهار گفتار درباره زبان، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۵۲.
- بیضایی، بهرام: سگ کشی، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۱.
- بی من، ویلیام: زبان، منزلت و قدرت در ایران، ترجمه رضا ذوقدار مقدم، تهران: نشر نی، ۱۳۸۱.
- پزشک نژاد، ایرج: خانواده نیک اختر، تهران: نشر آبی، ۱۳۸۰.
- جهانگیری، نادر: «گونه‌های احترام، سلطه و همبستگی در زبان فارسی امروز» در: زبان: بازتاب زمان، فرهنگ و اندیشه (مجموعه مقالات)، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۸.
- دانشگر، محمد: «تعارف و فرهنگ آن نزد ایرانیان»، نامه پارسی، سال هفتم، شماره دوم، ۱۳۸۱.
- دانشور، سیمین: به کی سلام کنم؟، چاپ پنجم، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۰.
- شهری، جعفر: قند و نمک (ضرب‌المثل‌های تهرانی به زبان محاوره)، چ ۲، تهران: انتشارات معین، ۱۳۸۴.
- مرادی کرمانی، هوشنگ: مهمان مامان، تهران: نشر نی، ۱۳۸۵.
- مهرجویی، داریوش: اجاره‌نشین‌ها، تهران: انتشارات تیراژه، ۱۳۷۴.
- یارمحمدی، لطف‌الله: «مقابله منظورشناختی در زبان‌های انگلیسی و فارسی با عنایت به چارچوب‌های فکری راهبردهای تلویحی فرهنگی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، شماره سوم، ۱۳۷۷.
- Asjodi, Mino, *A Comparison between Ta'arof in Persian and Limao in Chinese*, International Journal of Sociology of Language, 148, (2001) 71-92.
- Becman, Michael, *Double demons: Cultural impediments to US-Iranian understanding*, Brown University (2003).
- Brown, P. & LEVINSON, S. C., *Politeness. Some Universals in language usage*. Cambridge University Press (1987)
- Byran, Michael, *Routledge Ecylopaedia of Language teaching and learning*, Routledge, London and New York (2004).
- Hillman, Michael, *Language and social distinctions in Iran*, State University of New

Yoek Press (1981).

- Koulaki, Sofia A., *effers and wxpressions of thanks as fae enhancing acts: toe'arof in Persian*, Journal of Pragmatics, (2002) 34, 1733-1756.

- Lecch, Geoffrey, *Politeness, Is there an East-West Divide?*, Journal of Foregin Languages, No. 6 (2002).

Mao, I. r., *Beyond politeness theory: face revised and renewed*, Journal of Pragmatics, 21, (1993) 451-486.

- Sahraghard, Rahman, *Semantic primitives in persian*, Humanities and Social Sciences of Shiraz Unversity, Special issue on Language (2003).

- Verscheren, Jef, *Understanding Pragmatics*, Arnold, London (2003).

Yule, George, *Pragmatics*, Oxford University Press (2000).

- Zohrabi, Mohammad, *A Dictionary of Language and Linguistics (English-Farsi, Farsi-English)*, Forouzesh Publications, Tabriz (2005).

- Yarmohammadi, Niloufar, *Politenes strategies in English and Persian in contrast*, Unpublished doctoral thesis, Allameh University, Tehran (2003).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی